



■ صبح کبوتر

تو مثل صبح کبوتر ، از نسیم صبح فراتر
تو نگاه من شکفتی ، حرفای صمیمی گفתי
آسمونم که تو باشی ، میتونم که پر بگیرم
تو سکوت ابری شب ، خوندنو از سر بگیرم
اگه امروز گل بکاری ، سبز فردای من و تو
بیا تا زندگی باشه ، سهم دستای من و تو
آسمون خونه ما ، آبی پر از نسیم
سفرمون اگرچه خالی
غمی نیست خدا کریمه
آدمای هم صدایی ، که بهشتمون یکی بود
دو تا رودخونه که یک روز
سرنوشتمون یکی بود
با تموم خستگیهام ، همه دلپستگیهام
از خودم که دل بریدم ، به نگاه تو رسیدم.

■ سفر

چرا سفر زنا کجا
بدین سرا نمیکنی
دوباره شور عاشقی
چرا به پا نمیکنی
به کومه سیاه من
تو ای شهاب آتشین
دو بال پر فروغ خود
چرا تو وا نمیکنی
مسیر گامهای تو پر از گل و ترانه است
چرا سکوت خانه را پر از نوا نمیکنی
ببین غریب و خسته ام

نگر که دل شکسته ام
چرا به اوج بی کسی
مرا صدا نمیکنی
ببین که دست و پای من
اسیر بند ماتم است
چرا به تیر یک نظر
مرا رها نمیکنی
طبییب غصه های من
حبیب قصه های من
چرا مرا دمی رها
از این بلا نمیکنی
خلیل دلربای من
چرا تو صید خنده را
رها به تن زخنجری
بهر خدا نمیکنی

■ انتظار زمین

بازم چشای منتظر
تشنه دیدار شماس
هوای گرم این قفس
گرم نفسهای شماس
شما پر از ترانه اید
نوای عاشقانه اید
تمام حرمت زمین
زیر قدمهای شماس
چرا نظر نمیکنی
به این شمار خسته گاه
چه سخت انتظار تون
برای دلشکسته گان
تو در حجاب سالها
به کنج دل نشسته ای
تو از همه تعلقات
به غیر حق گسسته ای
بی تو شبی دگر رسد
زمین به انتظار تو
تو فتح صبح صادقی
چه عالمی فدای تو

■ رویای من

میجویمت در آسمان در شهر باران
در رود و دریا ، در میان چشمه ساران
در نبض سبز باغ و در بال پرستو
در کوه و دشت و جنگل و در لاله زاران
رویای من ای آرزوهای جوانی
ای عشق پاک احساس خوب آسمانی
از عطر یادت میشوم چون غنچه ای باز
خوشحال و خندان میسرایم شعر پرواز
مثل کیوتر پر کشم تا کهکشان ها
ای هم زبان ای هم سخن ای یار هم راز
در زندگی من با امیدت زنده هستم
آیینه شو آیینه ها رو میپرستم
وقتی شبم را میسپاری دست خورشید
در انتظار روز موعود تو هستم

■ آوار

زیر آوار نگاهت
لبای من شده ساکت
بند غربت به دل من
زده اون صدای پاکت
بوی شادی نمی آد
از بلندای نگات
دیگه قصه ای نداره
برامون اوج صدات
من و تو زاده دردم
درد بی درمون عشق
پر ز نیم از قید بودن
تا به آسمون عشق

شهر شب بیت دلای بیصداست
حرمت شب ناله تلخ دلاست
بیا با آواز من
گریه های بیصدا
دستامون پر بگشه
تا به خونه خدا

■ یسرای مشرقی

آی پسرا ، آی پسرای مشرقی
اسبای نورو توی دره زین کنید
گردونه خورشیدو صیقل بزیند
صبح سحر رو گردونه کمین کنید
آی خدا قوت ، حالا نوبت شماست
آینه شید دنیا رو رشک چین کنید
شب داره میره ، داره شب سحر میشه
میگن که شب سیاهه ، اما سر میشه
رسوا میشه شام سیاه پرده پوش
نوبت به تیغ صبح پرده در میشه
آی پسرا اسبای نورو زین کنید
با تیغ نور مزرعه رو وجین کنید
خونه دوست ، خونه آشنا کجاست
آی پسرای مشرقی نوبت ماست
شیطون و شب هر دوتاشون غریبه اند
دروغ میگو ، دنیا همش مال خداست
باغ خدا رو پر یاسمین کنید
دنیاتونو رشک بهار چین کنید.

■ تنهایی

دستتو به من بده
غمتو به من بگو
مثل اشک بچه ها
صادق و روشن بگو
همه حرفاتو بگو
من پر از شنیدم
روی بغض جاده ها
تشنه رسیدم
به من بگو ، بامن و تو
تقدیر و تنهایی چه کرد
وقتی که حتی آسمون
در غم ما گریه نکرد
اگه تلخ مثل جدایی
اگه شیرین مثل دیدار
بگو از بی تو شکستن
لحظه های تلخ تکرار
نمیدونم کی به ما گفت
میشه از بیشه جدا شد
میشه تنها زندگی کرد
تو رگ بودن رها شد
اما امروز تلخ و خسته
من و تو مصلوب دریم

بگو با من بانوی عشق کی به خونه بر میگردی
تا بیا با مشق خورشید
درس عشقو یاد بگیریم
باز بیا تا زیر یک سقف
واسه زندگی بمیریم

■ بچه های بهشت

بچه های کوی ما ، مردان راه عزتند
طائران پاک باز آسمان همتند
دشمن آن روزی که قصد خاک مان را کرده بود
دید طفلان وطن هم بهر پاک غیرتند
پیر فرمان جنون ، فرمود به عشاق وطن
چون که میدانست یاران ، سالکان شوکتند
آن پسر فهمیده ای ، وارسته‌الوا منظری
تاخت بر قلب سیاهی ، کین چنین در حیرتند
باوران بیدار گشتند ، از فداکاری او
تاختند و تا ابد، تمثیل پاک عبرتند
بیاد یاران را نمایید ای عزیزان وطن
کین زمان عشاق حق، ساکن به کوی غربتند
مردمان خاک ما چون حافظان حکمتند
مظهر مردانگی و پیروان عبرتند
بچه های این بهشت، یاران راه پاک عشق
در بهشت حق امیر و وارثان حشمتند.

■ آسمون

آسمونو غم گرفته ،
بعد پرواز نگاهت
از همون روزی که رفتی
دیده ام مونده به راهت
جز وفا از من چه دیدی
که دل از عشقم بریدی
خط باطل بر عبور از
مرز خوشبختی کشیدی
ای که تقدیر دلم رو
از سیاهیها گرفتی
باورم نمیشه هرگز
از گذشته ها ، گذشته

بیا از غبار جاده
که دلم خیلی گرفته
روی هر گوشه قلبم
غزلی از غم نهفته
این امید نا امید
اون که از خود دل بریده
زجر تلخ انتظارو
واسه یک نگات خریده
باز امیدم به تو بسته
ای سپهر آشنایی
باز سر کن نغمه ای رو
از دیار هم صدایی.

WwW.Saeid-Shahrouz.Blogfa.Com

با تشکر از میترای عزیز